



انتقاد از کمک به اوکراین

سخنگوی کاخ کرملین با حضور در جمع خبرنگاران به سوالاتی درباره اقدام آمریکا به مصادره اموال بلوکه‌شده روسیه به نفع اوکراین و تخصیص کمک‌های مالی و نظامی بیشتر به آن و سوالاتی درباره روابط مسکو با شرکای خود در منطقه قفقاز پاسخ داد. «دمیتری پسکوف» سخنگوی کاخ کرملین گفت که بسته کمک‌های نظامی جدیدی که آمریکا برای کی‌یف در نظر گرفته است، شرایط را برای اوکراین در میدان جنگ تغییر نخواهد داد. مجلس نمایندگان آمریکا یک لایحه کمک‌های ۶۱ میلیارد دلاری به اوکراین را شنبه گذشته تصویب کرد. «چاک شومر» رهبر اکثریت سنا گفت که امیدوار است این مجلس کنگره هم تا سه‌شنبه و پیش از آنکه این لایحه به رئیس‌جمهور آمریکا ارائه شود، درباره آن رای‌گیری کند. پسکوف درباره بسته کمک‌های جدید آمریکا بیان کرد: اساساً، این شرایط میدان جنگ را تغییر نخواهد داد. مسلماً، پولی که تخصیص یافته و تسلیحاتی که با این پول خریداری خواهد شد، رویه را تغییر نخواهد داد و تنها منجر به تلفات جدید میان اوکراینی‌ها خواهد شد و اوکراینی‌های بیشتری کشته خواهند شد.



شهرک‌ها علیه دوکشوری

وزیر تندرو رژیم صهیونیستی اعلام کرد، شهرک‌سازی‌ها «عدم تشکیل کشور فلسطین» را تضمین می‌کند. «بنسلیل اسموئوتیچ» وزیر دارایی رژیم صهیونیستی تأکید کرد: «ما باید از نظر نظامی و شهرک‌سازی در کرانه باختری بمانیم؛ زیرا شهرک‌سازی چیزی است که عدم تأسیس کشور فلسطین را تضمین می‌کند.» براساس گزارش خبرگزاری فلسطینی «اسما»- اسموئوتیچ در گفت‌وگو با شبکه هفت رژیم صهیونیستی گفت، نمی‌توان اجازه داد که تشکیلات خودگردان فلسطین بر غزه حکمرانی کند زیرا تشکیلات خودگردان و جنبش حماس «دو روی یک سکه» با اختلافات جزئی «هستند، وی در ادامه افزود: «شهرک‌سازی در کرانه باختری کمربند امنیتی کابینه اسرائیل است و کشور فلسطینی تشکیل نخواهد شد.» وزیر دارایی رژیم صهیونیستی در خصوص آسرای صهیونیست نزد جنبش حماس هم مدعی شد: «ما هر طور که شده آسرا را پیدا خواهیم کرد و آنها را به سلامت و در سریع‌ترین زمان ممکن به منازل‌شان باز خواهیم گرداند و به عقیده من تنها راه برای انجام این کار، افزایش فشار نظامی بر حماس و السنوار است.»



با آمریکایی‌ها دیدار داریم

رئیس‌جمهور سوریه تأکید کرد آمریکا بخشی از خاک این کشور را اشغال کرده است و از تروریسم حمایت می‌کند اما گاهی دیدارهایی با مقامات آمریکایی انجام می‌شود. بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در مصاحبه با اینال آرذرنیاز، وزیر خارجه آبخاز در کاخ ریاست‌جمهوری در دمشق گفت: آمریکا بخشی از خاک ما را به صورت غیرقانونی اشغال کرده است و از تروریسم و اسرائیل حمایت می‌کند؛ اسرائیلی که خود خاک ما را اشغال کرده است. وی افزود: با این حال ما گاهی دیدارهایی با آن‌ها داریم هر چند که این دیدارها به هیچ نتیجه‌ای ختم نمی‌شود اما همه چیز تغییر خواهد کرد، وی درباره محور این دیدارها با مسئولانی که در آن شرکت می‌کنند، چیزی نگفت. بشار اسد در جواب سوالی درباره مذاکرات با غرب گفت: امید همیشه هست. حتی زمانی که بدانیم نتیجه‌ای وجود نخواهد داشت باز هم باید تلاش کنیم. به‌رغم دیدگاه منفی که نسبت به آن‌ها داریم باید با آن‌ها کار کنیم و برایشان توضیح دهیم که ما هرگز از حقوق خود کوتاه نمی‌آییم و با آن‌ها تنها بر اساس برابری همکاری خواهیم کرد.

مسیر دیپلماتیک دریافت نکردند. در آن زمان، با توجه به ابراز همدردی عمومی در غرب با اوکراین، چنین فشاری می‌توانست سیاست غرب را تحت تأثیر قرار دهد.

ژلنسکی همچنین بی‌تردید از جنایات روسیه در بوچا و ایرپین خشمگین بود و احتمالاً فهمیده بود که آنچه او از آن به‌عنوان «نسل‌کشی» روسیه در اوکراین یاد می‌کند، دیپلماسی با مسکو را از لحاظ سیاسی پرهزینه می‌کند. با این حال، کار پشت‌پرده روی پیش‌نویس معاهده ادامه یافت و حتی در روزها و هفته‌های پس از کشف جنایات جنگی روسیه تشدید هم شد. این خود نشان می‌دهد جنایات بوچا و ایرپین یک عامل ثانویه در تصمیم‌گیری کی‌یف بوده است.

اعتماد جدید اوکراینی‌ها به اینکه می‌توانند در جنگ پیروز شوند نیز به وضوح در به نتیجه نرسیدن مذاکرات نقش داشت. عقب‌نشینی روس‌ها از کی‌یف و سایر شهرهای بزرگ در شمال شرق و چشم‌انداز دریافت سلاح‌های بیشتر از غرب، تعادل نظامی را تغییر داد. خوش‌بینی نسبت به دستاوردهای احتمالی در میدان نبرد اغلب علاقه‌ی طرف‌های متخاصم را به سازش در میز مذاکره کاهش می‌دهد.

در واقع، در اواخر آوریل، اوکراین موضع خود را سخت‌تر کرد و خواستار خروج روسیه از دونباس به‌عنوان پیش‌شرط هر نوع معاهده‌ای بود. همانطور که اولکسی دانیلوف، رئیس شورای امنیت ملی و دفاع اوکراین در دوم ماه مه اعلام کرد: «توافق با روسیه غیرممکن است روسیه فقط یک گزینه دارد و آن این است که تسلیم شود.»

و سپس از بُعد روس‌ها، داستانی وجود دارد که ارزیابی آن دشوار است. آیا کل مذاکرات یک برنامه کاملاً سازماندهی‌شده بود یا مسکو به‌طور جدی به حل و فصل مشکل علاقه‌مند بود؟ آیا پوتین وقتی فهمید که غرب به این توافق‌نامه نمی‌پیوندد یا موضع اوکراین سخت‌تر شده است، دلسرد شد؟ حتی اگر روسیه و اوکراین بر اختلافات خود غلبه کرده بودند، چارچوب مذاکره آنها در استانبول مستلزم این بود که ایالات متحده و متحدانش نیز آن را بپذیرند و قدرت‌های غربی باید با مشارکت در مذاکرات روسیه و اوکراین، ریسک سیاسی می‌کردند و با تضمین امنیت اوکراین، اعتبار خود را به خطر انداختند. در آن زمان و در دو سال بعد از آن، تمایل به پیگیری دیپلماسی پرخطر به نفع تعهد واقعی برای دفاع از اوکراین در آینده به‌طور قابل توجهی در واشنگتن و پایتخت‌های اروپایی وجود نداشت. آخرین دلیل شکست مذاکرات این است که مذاکره‌کنندگان گاری نظم امنیتی پس از جنگ را بر پشت اسب پایان دادن به جنگ بستند. دو طرف از موضوعات اساسی نظیر مدیریت درگیری و کاهش تنش و ایجاد کریدورهای بشردوستانه، آتش‌بس و خروج نیروها صرف‌نظر کردند و در عوض سعی کردند چیزی شبیه یک معاهده صلح بلندمدت ایجاد کنند که اختلافات امنیتی را که منشأ جنگ و تنش‌های ژئوپلیتیک چندین دهه‌ای بود، حل کنند. این یک تلاش قابل تحسین و بلندپروازانه بود اما بیش از حد آرزومندانه به نظر می‌رسید.

اگر بخوایم منصف باشیم، باید گفت که روسیه، اوکراین و غرب مسیر را برعکس امتحان کرده بودند و همه به طرز بدی شکست خوردند. توافق‌نامه‌های مینسک که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به دنبال الحاق کریمه به روسیه و حمله به دونباس امضا شد، نکاتی مانند تاریخ و زمان توقف خصومت‌ها و اینکه کدام سیستم تسلیحاتی باید با چه فاصله‌ای نصب شود را شامل می‌شد. نگرانی‌های امنیتی اصلی هر دو طرف به طور غیرمستقیم در این توافق‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفت. این سابقه حاکی از آن است که مذاکرات آینده باید در مسیرهای موازی پیش برود: به‌گونه‌ای که جنبه‌های عملی پایان دادن به جنگ در یک مسیر مورد بررسی قرار گیرد در حالی که موضوعات گسترده‌تر در مسیر دیگری پوشش داده شود.

به خاطر داشته باشید

در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۲۴، لوکاشنکو، واسطه اولیه مذاکرات صلح روسیه و اوکراین، خواستار بازگشت به پیش‌نویس معاهده بهار ۲۰۲۲ شد. او در گفت‌وگو با پوتین در کرملین گفت: «این یک موضع معقول است. این یک موقعیت قابل قبول برای اوکراین نیز بود. آنها با این موضع موافقت کردند.» پوتین پاسخ داد: «البته که آنها موافقت کرده بودند.»

اما در واقع، روس‌ها و اوکراینی‌ها هرگز به یک متن توافق نهایی نرسیدند. اما آنها در این مسیر فراتر از آنچه قبلاً تصور شده بود، پیش رفتند و به یک چارچوب فراگیر برای توافق احتمالی رسیدند. پس از گذشت دو سال و کشتار زیاد، همه این داستان‌ها ممکن است دیگر اهمیتی نداشته باشند. اما در هر صورت این داستان، یادآور این واقعیت است که پوتین و ژلنسکی مایل بودند برای پایان دادن به جنگ، امتیازهای فوق‌العاده‌ای را در نظر بگیرند. بنابراین، اگر زمانی کی‌یف و مسکو به میز مذاکره بازگردند، خواهند دید که روی میز مذاکره ایده‌های زیادی وجود دارد که می‌توانند در ایجاد صلح پایدار مفید واقع شوند.

مترجم: آریا صدیقی

FOREIGN AFFAIRS

اگر بخوایم منصف باشیم، باید گفت که روسیه، اوکراین و غرب مسیر را برعکس امتحان کرده بودند و همه به طرز بدی شکست خوردند. توافق‌نامه‌های مینسک که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به دنبال الحاق کریمه به روسیه و حمله به دونباس امضا شد، نکاتی مانند تاریخ و زمان توقف خصومت‌ها و اینکه کدام سیستم تسلیحاتی باید با چه فاصله‌ای نصب شود را شامل می‌شد. نگرانی‌های امنیتی اصلی هر دو طرف به طور غیرمستقیم در این توافق‌نامه‌ها مورد توجه قرار گرفت. این سابقه حاکی از آن است که مذاکرات آینده باید در مسیرهای موازی پیش برود: به‌گونه‌ای که جنبه‌های عملی پایان دادن به جنگ در یک مسیر مورد بررسی قرار گیرد در حالی که موضوعات گسترده‌تر در مسیر دیگری پوشش داده شود.



تمایلی به دیپلماسی نداشته باشد. او گفته بود که در عوض «ما باید به تشدید تحریم‌ها با اجرای یک برنامه فعالانه ادامه دهیم تا زمانی که تکتک نیروهای پوتین از اوکراین خارج شوند». در تاریخ ۹ آوریل، بوریس جانسون در کی‌یف ظاهر شد. او در آن زمان اولین رهبر خارجی بود که پس از خروج روسیه از پایتخت اوکراین به این کشور سفر کرده بود. گفته می‌شود که او به ژلنسکی گفته بود فکر می‌کند «هرگونه معامله با پوتین بسیار زشت خواهد بود.» او به یاد می‌آورد که گفت: «هر معامله‌ای برای پوتین یک پیروزی خواهد بود: اگر چیزی به او بدهید، او فقط آن را نگه می‌دارد، آن را حفظ می‌کند و سپس برای حمله بعدی آماده می‌شود.» آراخامیا در مصاحبه سال ۲۰۲۳، برخی پرده‌ها را کنار زد و به‌طور ضمنی تأیید کرد که او بوریس جانسون را مسئول شکست مذاکرات می‌داند. او گفت: «وقتی از استانبول برگشتیم، بوریس جانسون به کی‌یف آمد و گفت که ما اصلاً با روس‌ها چیزی امضا نمی‌کنیم. بیابید فقط به جنگیدن ادامه دهیم.»

از آن زمان، پوتین بارها از اظهارات آراخامیا برای مقصر دانستن غرب در خصوص فروپاشی روند مذاکرات و نشان دادن تبعیت اوکراین از حامیان غربی‌اش، استفاده کرده است. هر چند برخی سخنان پوتین لفاظی و غلو بوده است اما آراخامیا به یک مشکل واقعی اشاره کرد: «این بیانیه چارچوبی چندجانبه را ایجاد کرده بود که مستلزم تمایل غرب برای تعامل دیپلماتیک با روسیه و در نظر گرفتن تضمین امنیتی واقعی برای اوکراین بود. هیچ کدام از این موارد در آن زمان برای ایالات متحده و متحدانش اولویت نداشتند.»

آمریکایی‌ها در اظهارات عمومی خود، هرگز به اندازه جانسون نسبت به دیپلماسی بی‌اعتنا نبودند. اما به نظر نمی‌رسد که آن‌ها دیپلماسی را در رویکرد خودش در واکنش به تهاجم روسیه به اوکراین یک اولویت واقعی بدانند. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه و لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا دو هفته پس از جانسون، با هدف هماهنگی برای حمایت نظامی بیشتر از کی‌یف به اوکراین رفتند. همانطور که بلینکن در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از آن بیان کرد، «راهبردی که ما در پیش گرفته‌ایم حمایت گسترده از اوکراین، اعمال فشار گسترده علیه روسیه، همبستگی با بیش از ۳۰ کشور درگیر در این تلاش‌ها است و این راهبرد نتایج واقعی دارد.»

با این حال، این ادعا که غرب اوکراین را مجبور به عقب‌نشینی از مذاکرات با روسیه کرد، بی‌اساس است. ادعاها نشان می‌دهد که کی‌یف هیچ نظر مخالفی در این مورد نداشته است. درست است که پیشنهادات غرب برای حمایت از اوکراین باید عزم ژلنسکی را تقویت کرده باشد و به نظر می‌رسد فقدان شور و شوق غربی‌ها برای معامله با روسیه، علاقه او به دیپلماسی را کاهش داده باشد. با این حال، در نهایت، ژلنسکی در گفت‌وگوهای خود با رهبران غربی، پیگیری دیپلماسی با روسیه برای پایان دادن به جنگ را در اولویت قرار نداد. نه ایالات متحده و نه متحدانش درخواستی جدی از طرف او برای مشارکت در

موضوعات تصمیم بگیرند. به‌راحتی می‌توان تصور کرد که پوتین اصرار داشت تمام سرزمین‌هایی که نیروهایش قبلاً اشغال کرده بودند را حفظ کند. سوال این است که آیا ژلنسکی می‌توانست متقاعد شود که با این غصب سرزمین موافقت کند؟

با وجود این اختلافات اساسی، پیش‌نویس ۱۵ آوریل پیشنهاد می‌کرد که این معاهده ظرف دو هفته امضا شود. البته ممکن است آن تاریخ تغییر کرده باشد، اما نشان می‌دهد که دو تیم مذاکره‌کننده قصد داشتند سریع حرکت کنند. الکساندر چالی، یکی از مذاکره‌کنندگان اوکراینی، در یک رخداد علنی در دسامبر ۲۰۲۳، گفت: «ما در اواسط آوریل ۲۰۲۲ به پایان دادن جنگ با استفاده از یک راه‌حل صلح‌آمیز بسیار نزدیک بودیم. پوتین یک هفته پس از آغاز تجاوزه به اوکراین، به این نتیجه رسید که اشتباه بزرگی مرتکب شده و سعی کرد هر کاری که ممکن است برای انعقاد توافق با اوکراین انجام دهد.»

چه اتفاقی افتاد؟

پس چرا مذاکرات قطع شد؟ پوتین مدعی شده است که قدرت‌های غربی مداخله کردند و این توافق را ناکام گذاشتند، زیرا آنها بیشتر به تضعیف روسیه علاقه داشتند تا پایان دادن به جنگ. او مدعی شد که بوریس جانسون، که در آن زمان نخست‌وزیر بریتانیا بود، از طرف «دنیای آنگلو ساکسون» به اوکراینی‌ها این پیام را داده بود که آنها باید «تا زمانی که پیروزی به دست می‌آید و روسیه یک شکست استراتژیک را متحمل می‌شود با روسیه بجنگند». واکنش غرب به این مذاکرات، هر چند تناسبی با کاریکاتور ترسیم‌شده از سوی پوتین نداشت، اما بسیار سرد بود. واشنگتن و متحدانش عمیقاً در مورد چشم‌انداز مسیر دیپلماتیکی که در استانبول در حال شکل‌گیری بود، تردید داشتند. به هر حال، این بیانیه مسئله سرزمین و مرزها را کنار گذاشته بود و طرفین در مورد سایر موضوعات حیاتی همچنان اختلاف‌نظر داشتند. از دیدگاه غرب، این مذاکرات، آن‌طوری نبود که به نتیجه برسد.

علاوه بر این، یکی از مقامات سابق ایالات متحده که در آن زمان روی موضوع اوکراین کار می‌کرد، به ما گفت که اوکراینی‌ها تا پس از صدور بیانیه به واشنگتن مشورت نکردند درحالی‌که توافقی که درباره‌اش مذاکره شده بود شامل تعهدات قانونی جدیدی برای ایالات متحده بود؛ از جمله اینکه آمریکا باید تعهد می‌داد که در صورت حمله روسیه به اوکراین، به‌طور مستقیم با استفاده از نیروها و امکانات خودش با روسیه وارد جنگ شود. این شرط به تنهایی می‌توانست پذیرش این معاهده را برای واشنگتن غیرممکن کند. بنابراین، غرب به جای استقبال از بیانیه استانبول و روند دیپلماتیک متعاقب آن، کمک‌های نظامی به کی‌یف را افزایش داد و فشار بر روسیه را از طریق اعمال یک رژیم تحریمی سخت و سخت، بیشتر کرد. بریتانیا رهبری این روند را در پیش گرفت. پیش از این در تاریخ ۳۰ مارس، به نظر می‌رسید که بوریس جانسون